



# سفرنامه اصفهان

ناصر افشارفر/ محقق و مصحح

میرزا غلامحسین خان افضل‌الملک معروف به ادیب کرمانی فرزند مرحوم مهدی خان بن علی خان بن ابراهیم خان انور بن وکیل الرعایا کریم خان زند است. پدرش در اثر تعدیات حسین خان نظام‌الدوله از کرمان به تهران مهاجرت کرد. افضل‌الملک ادیب کرمانی در ۱۲۷۹ قمری در تهران به دنیا آمد و بعد از تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت و فلسفه و کلام و تاریخ و انشاء و حساب به عنوان مترجم در دارالترجمه مشغول به کار شد و مطالب مهم روزنامه‌های عربی را برای ناصرالدین شاه ترجمه می‌کرد.

در همین زمان در وزارت انطباعات به خدمت اعتمادالسلطنه در آمد و از شاگردان او در تدوین تاریخ شهرها بود.

در ۱۳۰۷ قمری به خراسان رفت و سمت ندیمی رکن‌الدوله را یافت. چندی هم پیشکار مالیات قم و ساوه و زرنند بود. بعد از قتل ناصرالدین شاه و به صدارت رسیدن امین‌السلطان، به دربار مظفرالدین شاه راه یافت و مأمور شد تا هر ساله تاریخ دولتی و وقایع سلطنتی را بنگارد. بعد از عزل امین‌السلطان از صدارت و آغاز سلطنت عین‌الدوله، او از حقوق خود محروم شد و لذا نگارش تاریخ را متوقف کرد. بعد از صدور فرمان مشروطه و عزل عین‌الدوله، با نوشتن عریضه‌ای به شاه، دوباره به دربار راه یافت و به همراه رکن‌الدوله حاکم خراسان به خراسان و سپس کرمان رفت و سه سفرنامه درباره خراسان و یک سفرنامه درباره کرمان و راه لوت نوشت.

بعد از فتح تهران و سقوط حکومت محمدعلی شاه و پایان استبداد صغیر در ۱۳۳۱ قمری به معاونت حکومت مازندران منصوب شد و در این سفر جغرافیای تمام بلوکات مازندران که ابتدای آن از لواسان و دماوند و فیروزکوه است و تاریخ قدیم و جدید آن را نگاشت و آن را رکن‌الاسفار نامید. پس از یک سال به تهران احضار شد و از آن پس دیگر به خدمت دیوانی نپرداخت و در اوقات فراغت به مطالعه کتب سیر و تواریخ و دواوین شعر باستان از عرب و عجم اشتغال داشت تا این که سرانجام در تاریخ ۱۳۴۸ قمری برابر با ۱۳۰۸ شمسی در تهران از دنیا رفت.

ادیب کرمانی آثاری چند داشت که عبارتند از: افضل‌التواریخ، رکن‌الاسفار، سحر و ساحری و سفرنامه نصری، سفرنامه خراسان و کرمان، کتابچه تفضیل و حالات دارالایمان قم، سفرنامه قم یا تاریخ و جغرافیای قم، ظفرنامه عضدی، کراسه‌المعی، تاریخ صدور قاجاریه، صدرالتواریخ، قرن السعاده یا قرن السعادتین، ترجمه اعلام الناس بما وقع للبرامکه من بنی عباس، افضل‌التفاسیر، سفرنامه کلاردشت. در میان آثار ادیب کرمانی عنوان سفرنامه اصفهان یا تاریخ اصفهان به چشم نمی‌خورد. با توجه به تحریری بودن متن، مسلم می‌شود که این نسخه از دست‌نوشته‌های نگارنده در عهد جوانی و عهد نصری است، از این رو شاید بتوان آن را به عنوان یک تجربه به حساب آورد یا از جمله آثاری دانست که در آن زمان از طرف اعتمادالسلطنه به عنوان یک کار ضعیف رد شده باشد.

این نسخه در حال حاضر به شماره ۷۹۷۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد و در

او تقدیم نموده است و آن را ترجمه رساله محاسن اصفهان ۲۵ نامیده و این کتاب مهم‌ترین منبع نگارنده در سفرنامه اصفهان است.

غیر از متن فوق‌الذکر، از کتاب قلاید اشرف و کتاب اصفهان حمزه اصفهانی نام می‌برد.

از ترجمه‌های سفرنامه نویسانی چون شاردن و کمپفر و تاریخ سرجان ملک و دره نادری نیز باید به عنوان منابع مهم تاریخی این اثر یاد کرد. ویژگی‌های این کتاب به شرح زیر است:

۱. این اثر دارای خط تحریری است و هنوز به دلایل نامشخص برای چاپ یا استفاده دیگری تنظیم نشده است.

۲. در این نسخه از بناهای عهد صفوی که بیشتر به دست ظل‌السلطان نابود شده و همچنین از دژ قدیمی طبرک سخن رفته است.

۳. نام روستاهایی که امروزه حتی اسمشان به روی نقشه جغرافیا نیست و یا از آنها خرابه‌هایی باقی مانده، در این کتاب آمده است و نیز درباره ارزش زمین‌های کشاورزی و نوع محصول آن سخن گفته است.

۴. محدوده سیاسی اصفهان با توجه به طول و عرض جغرافیایی آن مطرح شده که امروزه مرزهای این استان بر همین مبنا مشخص گردیده است.

۵. پاره‌ای از ابنیه را نویسنده بدان‌ها اشاره نکرده در حالی که از مناطق مهم عهد صفوی بوده و این شاید بدان دلیل است که در زمان نگارش این اثر هم، این بناها وجود نداشته یا از بین رفته بود، نظیر باغ مکه و مناره شاخ‌ها و... که کمپفر به ویژه آن را شرح داده است. در بخش تعلیقات این کتاب که مصحح بدان افزوده است، شرح بناهایی که امروزه در اصفهان موجود نیست، و نیز معرفی بعضی اشخاص برجسته آمده است.

۶. مولف همه جا واژه «کتابه» را به معنای کتیبه به کار برده است.

این کتاب با کوشش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و با تصحیح این جانب به چاپ رسیده است. امید است مورد توجه محققان و دانش‌پژوهان و دانشجویان قرار بگیرد.



فهرست نسخ خطی این کتابخانه در جلد بیست و ششم معرفی شده است. این نسخه توسط فرزند وی در ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ به کتابخانه مجلس اهدا شده است. نسخه، همان طور که ذکر گردید، تحریری و به خط نگارش خود نویسنده است و هیچ کاتبی آن را پرداخت ننموده و تنظیم نکرده است، بنابراین جای تردیدی نیست که در آن اشکالات دستوری و لغوی باشد. در تصحیح سعی شده که اصل نسخه، حفظ و امانت رعایت گردد و اگر نیاز به تغییر بود، در پاورقی آورده شود.

از آن جا که این اثر، نسخه بدلی نداشت، در تصحیح این نسخه از کتاب‌هایی استفاده شده که ادیب کرمانی به عنوان منابع معرفی و از آنها بهره جسته است. مهم‌ترین منبع، رساله محاسن اصفهان و ترجمه این رساله است. این رساله به زبان عربی است و آن را فضل بن سعد بن الحسین المافروخی اصفهانی بین سال‌های ۴۶۵ تا ۴۸۵ قمری نگاشته است. این کتاب را حسین محمدبن ابی‌الرضا علوی آوی، به نام خواجه معرفت پژوه فاضل نواز غیاث‌الدین محمدبن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به قالب فارسی درآورده و آن را در سال ۷۲۹، یعنی در ایامی که این خواجه وزارت ابوسعید بهادرخان را داشته به

۱. حسین بن محمدبن ابی‌الرضا آوی، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال.